

## سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری \*

### اشاره

از اساسی ترین نیازهای انسان، تربیت است. بشر، تنها در پرتو تربیت صحیح می تواند مسیر زندگی را با موفقیت طی کرده و به کمال، هویت و عبودیت دست یابد. از این رو، پیامبران الهی آمده اند تا انسان ها را تربیت نمایند. از عوامل مهم تربیت، الگوپذیری است. ما باور داریم که اهل بیت علیهم السلام، الگوهای شایسته هستند و تکیه بر دیدگاه ها و رفتارهای تربیتی آنان، کارآمدترین راهکار تربیتی برای تربیت، به ویژه تربیت فرزندان است. این نوشتار، جستاری است در باره سیره و گفتار اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزندان خود.

### اهمیت تربیت فرزند

یکی از بایسته های زندگی اجتماعی، تربیت فرزندان است؛ زیرا ایجاد خانواده متعادل و جامعه آرمانی، به این امر بستگی دارد. از این رو، تعلیم و تربیت فرزندان،

---

\* پژوهشگر.

همواره ازدغدغه‌های انسان‌ها بوده است. پیش از آن‌که سقراط را محاکمه کنند، از وی پرسیدند: بزرگ‌ترین آرزویی که در دل داری، چیست؟ پاسخ داد: «بزرگ‌ترین آرزوی من، این است که به بالاترین مکان آتن صعود کنم و با صدای بلند به مردم بگویم: ای دوستان! چرا با این حرص و ولع، بهترین و عزیزترین سال‌های زندگی خود را به جمع‌آوری ثروت و سیم و طلا می‌گذرانید؛ در حالی که آن‌گونه که باید و شاید، در تعلیم و تربیت اطفال‌تان که مجبور خواهید شد ثروت خود را برای آن‌ها باقی بگذارید، همت نمی‌گمارید؟»<sup>۱</sup>

امروزه، تربیت فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا دشمنان، فرزندان ما را نشانه رفته و در قالب جنگ نرم و ارائه الگوهای کاذب، در صدد سست‌نمودن عقاید و هویت‌زدایی از آنان می‌باشند. یکی از روش‌های مقابله با شبیخون فرهنگی، تربیت روش‌مند فرزندان است. در آیات و روایات نیز به تربیت فرزند و مصونیت‌بخشی خانواده از ناهنجاری‌ها تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌های‌تان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید.» ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در باره سخن خداوند: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» پرسیدم و گفتم: نفس خود را از آتش حفظ می‌کنم؛ اما چگونه خانواده خود را حفظ کنم؟ فرمود: «آنان را به آنچه خداوند امر فرموده، امر کن و از آنچه خدا نهی فرموده، نهی کن. پس اگر از تو پیروی کردند، تو آنان را حفظ نموده‌ای و اگر نافرمانی کردند، تو تکلیف خود را انجام داده‌ای.»<sup>۳</sup>

۱. فردوسیان، فرحناز، «نکته‌هایی پیرامون تربیت فرزند»، مجله طوبی، ش ۵.

۲. تحریم، آیه ۶.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۷۷.

اهل بیت علیهم السلام نیز به تربیت فرزندان خود اهتمام وافری می‌ورزیدند؛ زیرا عبودیت، سعادت و طی مسیر پُرفراز و نشیب زندگی فرزندان، نیازمند تربیت صحیح است. از این رو، علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه اصول تربیتی را برای فرزندش امام حسن علیه السلام بیان نمود. امامان دیگر نیز به این امر می‌پرداختند. آنان، تنها به تربیت فرزندان خود اکتفا نمی‌کردند؛ بلکه همگان را به این امر سفارش می‌نمودند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «... و اما حق فرزندت آن است که بدانی او از تو است و تو نسبت به تربیت شایسته او، مسئولی...»<sup>۱</sup>

## روش‌های تربیت در سیره اهل بیت علیهم السلام

### ۱. انتخاب همسر شایسته

برخی تصور می‌کنند که تربیت فرزند، بعد از تولدش آغاز می‌شود؛ حال آن‌که این امر، به زمان پیش از تولد برمی‌گردد. از این رو، در آموزه‌های دینی برای قبل و بعد بارداری زن، آداب و شرایط خاص تعریف شده است که رعایت یا عدم رعایت آن، در شخصیت و آینده فرزند تأثیر شگرفی دارد. به موجب آمار، تعداد بسیاری از کودکان ناقص‌الخلقه جهان و کودکانی که رشد مغزی، عصبی و جسمی ناقصی دارند، در دوران بارداری مادران‌شان درست تغذیه نشده‌اند.<sup>۲</sup> طبق برخی تحقیقات، علاقه‌مندی مادر به فرزند در هنگام شیردادن، در ثبات شخصیت او مؤثر است.<sup>۳</sup> به همین جهت، در روایات تأکید شده است که پیش و پس از

---

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۴.

۲. امینی، ابراهیم، تربیت، قم: بوستان کتاب، هفتم، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۹.

۳. حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش، ص ۶۲.

بارداری، رعایت برخی مسائل ضرورت دارد؛ مثلاً سفارش شده که در هنگام ازدواج، برای فرزنددار شدن دعا کنیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی قصد ازدواج داشتید، چنین دعا کنید: «اللَّهُمَّ... قَدَّرْ لِي وَكِدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي.»<sup>۱</sup> همچنین سفارش شده است که از خوردن لقمه و مال حرام پرهیز کنیم؛ زیرا این امر در روح و جسم فرزند تأثیر دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «آثار کسب حرام، در نسل انسان آشکار می‌شود.»<sup>۲</sup>

بر این اساس، انتخاب همسرشایسته، از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت فرزند است؛ زیرا طبق قانون وراثت، همان طوره که صفات ظاهری والدین و اجداد به فرزند منتقل می‌شود، رذایل و فضایل اخلاقی آنان نیز به او انتقال می‌یابد. از این رو، اهل بیت علیهم السلام در انتخاب همسر دقت می‌نمودند؛ چنان‌که علی علیه السلام به برادرش عقیل دستور داد که همسرشایسته‌ای برایش گزینش نماید. امام سجاد علیه السلام یکی از بهترین نوادگان امام مجتبی علیه السلام را به همسری انتخاب نمود که حاصل آن، تولد امام باقر علیه السلام بود.<sup>۳</sup> امام حسن عسکری علیه السلام نیز با همسری بافضلیت ازدواج کرد و این گونه، آخرین حجت خداوند به دنیا آمد.<sup>۴</sup>

معصومان علیهم السلام، نه تنها خود در انتخاب همسر دقت می‌نمودند، بلکه دیگران را نیز به این امر سفارش می‌کردند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از طایفه پاک‌دامن و خوش‌اخلاق، همسر انتخاب کنید. به‌درستی که عِرْق (ژن) در فرزند اثر

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۲۵: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ.»

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: محمدعلی اردکانی، تصحیح: وفادار مرادی و محمد مسعودی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۶۰۹.

۴. نیشابوری، فتال، روضة الواعظین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۸۳.

می‌گذارد.<sup>۱</sup> علی علیه السلام نیز می‌فرماید: سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.<sup>۲</sup> محمد حنفیه، فرزند علی علیه السلام، در جنگ جمل پرچمدار بود. علی علیه السلام به وی فرمان حمله داد و او نیز حمله کرد؛ ولی دشمن با تیر و ضربات نیزه، جلوی او را گرفت. محمد از پیش‌روی باز ماند. حضرت خود را به او رساند و فرمود: از حملات دشمن مترس، حمله کن. محمد، قدری پیش‌روی کرد؛ ولی باز متوقف شد. علی علیه السلام از ضعف فرزندش آزرده‌خاطر شده، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر به دوشش کوید و فرمود: «أدرکک عرق أمک؛<sup>۳</sup> این ترس را از مادرت به ارث برده‌ای.» من که پدر تو هستم، ترسی ندارم.

## ۲. انتخاب نام نیکو

از روش‌های مهم تربیت فرزند، انتخاب اسم خوب و زیبا برای فرزند است؛ زیرا نام، وسیله‌ای برای توجه به شخصیت فرزند بوده، خوبی و بدی آن در شخصیت‌سازی فرزند اثرگذار است؛ اگر نام خوب نباشد، سبب رنجش روحی و آزرده‌خاطر کودک خواهد شد.<sup>۴</sup>

پیشوایان معصوم علیهم السلام، به نام‌گذاری فرزندان خود بسیار اهمیت می‌دادند و مقید بودند که نیکوترین و بهترین اسم را برای فرزندان خود گزینش کنند. از این رو، از آغاز تولد نوزاد پسر تا روز هفتم، او را «محمد» می‌نامیدند تا از بدو تولد،

---

۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷: «تَزَوَّجُوا فِي

الْحِجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ.»

۲. خوانساری، آقا جمال، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۳۹۳: «حُسْنُ

الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ.»

۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، مصحح: ابراهیم میانجی، تهران:

المکتبة الإسلامية، ج ۱۷، ص ۶۸.

۴. رک: طبسی، محمدجواد، حقوق فرزند در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: بوستان کتاب، ص ۳۷.

روح، فکر و مغز کودک را با حضرت آشنا کرده باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يُوَلَّدُ لَنَا وَكَدُّ إِلَّا سَمِيْنَاهُ مُحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنَّ شَيْئًا غَيْرَنَا وَإِنْ شِئْنَا تَرَكَنَا؛<sup>۱</sup> هیچ نوزادی برای ما متولد نمی‌شود، مگر این‌که نخست نام او را «محمد» می‌نامیم و پس از هفت روز، اگر خواستیم، نامش را تغییر می‌دهیم؛ وگرنه همان نام را بر او می‌گذاریم.»

ابوهارون می‌گوید: در مدینه همنشین امام صادق علیه السلام بودم. چند روزی حضرت مرا ندید و پس از چند روز، به حضورش رفتم. حضرت فرمود: ای ابوهارون! چند روزی است که تو را ندیده‌ام؟ عرض کردم: پسری برایم متولد شد. حضرت فرمود: مبارک باشد، او را چه نام می‌گذاری؟ عرض کردم: محمد. حضرت تا نام «محمد» را شنید، گونه خود را به طرف زمین برده و فرمود: محمد، محمد، محمد، به احترام نام محمد خم شد و سپس فرمود: جانم، فرزندم، همسر، پدر و مادرم به فدای رسول خدا باد! مبادا او را دشنام دهی یا بزنی! مبادا با او بدی و بدرفتاری کنی!<sup>۲</sup>

عبدالرحمن بن محمد عزر می‌گوید: «معاویه به مروان بن حکم، والی مدینه، دستور داد تا برای جوانان قریش مبلغی مقرر کند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: من نیز نزد او رفتم و او از نامم پرسید: گفتم: علی بن حسین. گفت: نام برادرت چیست؟ گفتم: علی. گفت: علی و علی! مثل این‌که پدرت قصد دارد نام تمام فرزندانش را علی بگذارد... از نزد او بیرون آمده و به حضور پدرم رسیدم و ماجرا را به ایشان عرض کردم. پدرم فرمود:... اگر صاحب صد فرزند نیز شوم، دوست ندارم جز «علی» نامی بر آنها بگذارم.»<sup>۳</sup>

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. بروجردی، حسین، جامع أحادیث الشيعة، مصحح: جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، اول، ۱۳۸۶ش، ج ۲۶، ص ۷۲۲.

امروزه، انتظار می‌رود مردم ما به فرهنگ نام‌گذاری اهل بیت علیهم السلام بیشتر توجه نمایند. اسامی‌ای را برای فرزندان خویش انتخاب کنند که با آموزه‌های دینی و فرهنگ ما هم‌سویی داشته باشد. متأسفانه، برخی والدین تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار گرفته و نام‌هایی را برای فرزندان خود گزینش می‌نمایند که در شأن جامعه دینی نیست. البته ناگفته نماند که - بحمدالله - تعداد فراوانی از فرزندان این مرز و بوم، به نام اهل بیت علیهم السلام نام‌گذاری شده‌اند.

### ۳. فرصت‌شناسی

اگرچه زمان تعلیم و تربیت، از گهواره تا گور است، اما برخی زمان‌ها برای این امر مناسب‌تر می‌باشد. دوران کودکی، فرصت خوبی برای تربیت است. در برخی روایات، تربیت در زمان کودکی و نوجوانی، به نقاشی برسنگ تشبیه شده است<sup>۱</sup> که نشان از اهمیت توجه به زمان دارد. به تعبیر بعضی روان‌شناسان بالینی، ذهن کودکان، مانند صفحه سفید، آماده نگاشتن تجارب است. در روان‌شناسی گفته شده است: «کودک در پنج و شش سالگی، نسخه کوچک جوانی است»<sup>۲</sup>.

معصومان علیهم السلام، تربیت فرزندان خود را از دوران کودکی آغاز می‌نمودند؛ زیرا هنوز گناه، قلب آسمانی کودکان را سیاه نکرده است. افزون بر آن، پدر و مادر همیشه توان تربیت فرزندان را ندارند؛ چون پیری توان آنان را خواهد گرفت. حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش، امام حسن علیه السلام فرمود: «پسرم! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو بر شمردم... پیش از آن‌که

---

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۲: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ.»

۲. افروز، غلامعلی، روان‌شناسی کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، نهم، ۱۳۸۰ ش،

خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند؛ زیرا قلب نوجوان، چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس، در تربیت تو شتاب کردم؛ پیش از آن که دل تو سخت شود...»<sup>۱</sup>

#### ۴. تربیت دینی

همان گونه که اشاره شد، تربیت فرزندان اهمیت دارد؛ اما این امر بر اساس آموزه‌های دینی، از اهمیت وافری برخوردار است؛ زیرا عمق‌بخشی آموزه‌های دینی در نهاد کودکان و نوجوانان، آنان را از آسیب‌های خطرآفرین و انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی حفظ می‌کند. از این رو، والدین باید به تعلیم و تربیت امور دینی فرزندان خود اهمیت دهند؛ و گرنه مسئول آینده آنان خواهند بود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی بعضی کودکان را می‌دید، می‌فرمود: «وای به فرزندان آخرالزمان، از روش ناپسند پدران‌شان!» عرض شد: «ای رسول خدا! از پدران مشرک؟» فرمود: «نه، از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرایض دینی را نمی‌آموزند و به ناچیزی از امور مادی در باره آنان قانع هستند. من، از این مردم بری و بی‌زارم و آنان نیز از من بی‌زار.»<sup>۲</sup>

علی عَلِيٌّ نیز می‌فرماید: «باید خردسالان شما به بزرگسالان تاسی جویند و بزرگسالان شما به کودکان‌تان مهربان باشند. هم‌چون ستم‌پیشگان دوران جاهلیت مباشید که نه آگاهی از دین داشتند و نه در شناسایی خداوند اندیشه می‌کردند.»<sup>۳</sup> حضرت به فرزندش امام حسن عَلِيٌّ نوشت: «وَ أَنْ أُبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ

۱. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مفاتیح قرآن، اول، ص ۳۷۳.

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت عَلِيٌّ، اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۲۵.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیة‌الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲: «لِيَتَأَسَّ صَغِيرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ وَ لِيُرَافَ كَبِيرُكُمْ بِصَغِيرِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا كَجُفَاةِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَّهُونَ وَ لَا عَنِ اللَّهِ يَعْلَمُونَ.»



جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أَجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَيَّ غَيْرِهِ...<sup>۱</sup> در آغاز تربیت، تصمیم گرفتیم تا کتاب خدای عزیز و بزرگ را همراه با تفسیرش و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.»

اهل بیت علیهم السلام در یادگیری فرزندان، به برخی موضوعات دینی توجه خاص داشتند؛ از جمله: خدانشناسی، تعلیم قرآن و محبت اهل بیت علیهم السلام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»<sup>۲</sup> فرزندان تان را بر سه خصلت [نیکو] تربیت کنید؛ دوستی پیغمبرتان و دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن. امام باقر علیه السلام نیز فرزندش را به چگونگی سپاس‌گزاری از خدوند و استغفار سفارش نمود.<sup>۳</sup>

متأسفانه در عصر حاضر، برخی پدر و مادرها، به تعلیم آموزه‌های دینی فرزندان خویش اهمیت نمی‌دهند و برای یادگیری رایانه و مانند آن، برای کودکان و نوجوانان خویش هزینه بسیاری می‌کنند؛ اما نسبت به نهادینه‌سازی معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه یا بی‌تفاوت‌اند!

## ۵. همسویی رفتار و گفتار

از مؤثرترین روش تربیت فرزندان، رفتارهای درست والدین است. چشم و گوش کودکان و نوجوانان، چون دریچه‌ای باز است و به خوبی می‌بینند و می‌شنوند و

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، پیشین، ج ۱۶، ص ۶۸.

۲. کشی، محمد بن عمر، إختیار معرفة الرجال، مصحح: محمد طوسی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق، ص ۴۴.

۳. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، مصحح: رسولی محلاتی، تبریز: بنی‌هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۵۰.

ذهن‌شان، چون آینه‌ای است که هر چیزی در آن انعکاس می‌یابد؛ با این تفاوت که آینه، تصویر اشیا را در خود نگه نمی‌دارد؛ ولی ذهن کودکان و نوجوانان، این‌ها را در خود نگه می‌دارند و الگو قرار می‌دهند. بنابراین، والدین باید مراقب باشند تا بین گفتار و عمل‌شان تناقض به وجود نیاید.

ای که به من راستی آموزی      در ره کج از چه نهی پا را  
آموزگار خلق شدیم اما      خود شناختیم الف و با را<sup>۱</sup>

اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت فرزندان خود، از اصل «خودسازی، مقدم بر دیگرسازی» بهره می‌گرفتند؛ یعنی قبل از آن‌که به فرزندان خویش بگویند فلان کار را انجام دهند، خود انجام می‌دادند و بین گفتار و رفتارشان هم‌خوانی وجود داشت. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هر که خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش پردازد و باید تربیت‌کردنش، پیش از آن‌که با زبان باشد، با رفتارش باشد و آن‌که خود را تعلیم و تربیت نماید، از کسی که دیگری را تعلیم می‌دهد و تربیت می‌نماید، شایسته‌تر به بزرگ‌داشت و احترام است.»<sup>۲</sup>

فرزندان ائمه علیهم‌السلام نیز از رفتار آنان پیروی می‌نمودند. شعیب بن عبدالرحمن خزاعی می‌گوید: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام در کربلا به شهادت رسید، بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاد علیه‌السلام در باره آن پرسیدند. امام بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه‌های تهی‌دستان می‌برد.»<sup>۳</sup> امام سجاد علیه‌السلام این رفتار را از پدرش سرمشق گرفت؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «(پدرم) شب‌ها کیسه نان بر دوش حمل

۱. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ش، دفتر اول، بیت ۱۶۴۰.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۲۰: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.»

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

می کرد و صدقه می داد.»<sup>۱</sup>

## ۶. مهرورزی

محبت، در تربیت کودکان و نوجوانان نقش کلیدی دارد. کودکان، بیشتر از بزرگ‌ترها به محبت نیاز دارند. آنان چندان توجهی ندارند که در کوخ زندگی می‌کنند یا کاخ؛ اما در این جهت که محبوب دیگران هستند یا نه، حساسیت دارند. افزون بر آن، محبت در مقاوم‌سازی کودکان و نوجوانان در برابر ناهنجاری‌ها بسیار مؤثر است؛ به همین جهت، از علل بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، فقر عاطفی شمرده شده است. از این رو، اهل بیت علیهم السلام محبت به کودکان را، جزء بهترین اعمال دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟ قَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنَّ أُمَّتَهُمْ أَدْخَلْتُهُمْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي؛<sup>۲</sup> موسی علیه السلام گفت: خدایا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا آنان را با توحید خود سرشته‌ام [و بر یگانگی‌ام آفریدم] و اگر آن‌ها را بمیرانم، با رحمتم به بهشتم داخل می‌گردانم.»

اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزندان خود از اصل «محبت» استفاده کرده، آن را به‌خوبی اظهار می‌نمودند. این امر، گاه با در آغوش گرفتن فرزند، و گاهی با بوسیدن او نمود پیدا می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید: «من هیچ کس را ندیدم که با خانواده خود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهربان‌تر باشد.»<sup>۳</sup> حضرت هر روز صبح، بر سر فرزندان و نوادگان خود دست نوازش می‌کشید.<sup>۴</sup> عایشه می‌گوید: «هنگامی که

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انتشارات علامه، اول، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۵۳.

۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۷.

۳. ابن کثیر، اسماعیل، السیرة النبویة، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۱۲.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

ابراهیم، پسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت، حضرت گریست؛ به گونه‌ای که قطرات اشک بر گونه‌های ایشان سرازیر شد. گفتند: ای رسول خدا! شما دیگران را از گریستن منع می‌کنید؛ در حالی که خود گریه می‌کنید؟ ایشان فرمود: این گریه‌ای نیست که از روی خشم باشد؛ بلکه از روی رحمت و مهربانی است.<sup>۱</sup>

گفتنی است، از افراط و تفریط در محبت نسبت به فرزندان باید پرهیز نمود؛ زیرا محبت و نوازش‌های بی حساب، مانع برخورد فرزندان با سختی‌های زندگی می‌شود؛ چنان‌که کوچک‌ترین حادثه ناملایمی آنان را از پا در می‌آورد.<sup>۲</sup> ژان ژاک روسو می‌گوید: «اگر جسم زیاد در آسایش باشد، روح فاسد می‌شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می‌شناسد و نه حلاوت ترحم را. چنین کسی، قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب، قابل معاشرت نبوده، مانند دیوی خواهد بود در میان آدمی.»<sup>۳</sup>

## ۷. تشویق

از جمله شیوه‌های تربیتی، تشویق است. تشویق، به منظور ایجاد انگیزه، شناسایی استعداد و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان، امری ضروری است. چه بسا فرزندان که از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود آگاهی نداشته باشند و والدین باید توانایی‌های فرزندان خویش را شناسایی نمایند و آن‌ها را به دلیل انجام کارهای خوب تشویق کنند. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ضمن تشویق دیگران به این امر، فرزندان خود را نیز تشویق می‌کردند. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که در باره آن‌چه خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟ پدرم در مقابل

۱. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن، امالی، بغداد: انتشارات نعمان، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. رک: مجموعه آثار شهید مطهری، قم: انتشارات صدرا، ج ۲۳، ص ۷۵۰ - ۷۵۵.

۳. رک: همان، ص ۷۵۶.

این جمله، به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی؛ به هنگام گرفتاری، جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: [در باره آنچه پیش آمده،] از غیر خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او، بهترین و کیل است.<sup>۱</sup>

## ۸. احترام

یکی از خواهش‌های طبیعی نوجوانان، این است که مانند بزرگسالان به شخصیت‌شان احترام شود و به‌شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند. نوجوانان انتظار دارند که پدران و مادران و هم‌چنین بستگان و سایر مردم، آنان را به چشم یک فرد کامل نگاه کنند و در معاشرت و محاوره، و خلاصه در تمام شئون زندگی، با آنان مانند بزرگسالان برخورد نمایند.<sup>۲</sup> از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام به احترام فرزندان سفارش می‌نمودند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ»<sup>۳</sup> فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید. امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «أَجْمِلْ مُعَاشَرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»<sup>۴</sup> برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ، زیبا گردان.

اهل بیت علیهم‌السلام، حرمت و کرامت فرزندان خود را حفظ کرده و به آنها احترام می‌نمودند؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بارها به امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام احترام کرد. روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشسته بود که حسنین علیه‌السلام وارد شدند. حضرت به طرف کودکان رفت و با احترام از آنان استقبال نمود. بغل باز کرد و هر دو را

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۶، ص ۶۷.

۲. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پانزدهم، ۱۳۵۳ ش، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چهارم، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۳.

۴. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۸، ص ۳۵۴.

بر شانه خود سوار نمود و به راه افتاد و خطاب به آنان فرمود: «نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيُّكُمْ وَ نِعْمَ الرَّأْكِبانِ أَنْتُمَا؛ [فرزندان عزیزم!] مرکب شما چه خوب مرکبی است و شما چه سواران خوبی هستید.» امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز احترام آموخته را به فرزندان‌شان انتقال دادند. عییدالله بن عتبه می‌گوید: «روزی در محضر سیدالشهدا علیه السلام بودم که امام سجاد علیه السلام وارد شد. امام او را پیش خوانده و به سینه‌اش چسبانید، پیشانیش را بوسید و فرمود: «... ثُمَّ قَالَ بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ؛<sup>۱</sup> پدرم به فدایت باد! چقدر خوش‌بو و زیبایی.»

بنابراین، فرزندان نیازمند احترام‌اند و اگر به آنان احترام نکنیم، دچار بحران هویت و انحرف‌های اخلاقی می‌شوند. نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر نباشد، در ضمیر خود احساس پستی و حقارت می‌نماید و همواره، از این احساس درونی رنج می‌برد. او می‌کوشد تا به هر وسیله، اظهار وجود کند و شخصیت خویش را در محیط خانواده و اجتماع اثبات نماید. جایی که از راه مشروع، به این کار موفق نشود، به کارهای غیر مشروع دست می‌زند و با خود می‌گوید:

در دل دوست، به هر حيله ره‌ی باید کرد طاعت از دست نیاید، گنه‌ی باید کرد وجود چنین جوانی، برای خانواده و اجتماع، مایه نگرانی و ناامنی است. او همواره در معرض انحراف و سقوط قرار دارد و ممکن است مرتکب جرایم بزرگ و جنایات غیر قابل جبرانی بشود؛<sup>۲</sup> چنان‌که منتصر، پدرش متوکل را به دلیل بی‌احترامی به قتل رساند. متوکل عباسی، نسبت به علی علیه السلام به شدت اظهار دشمنی می‌کرد. او حضرت را فقط با کلمه «ابوتراب» می‌خواند و در مجالس

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

۲. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، مصحح: عبداللطیف، حسینی

کوه‌کمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۴.

۳. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، پیشین، ص ۴۴۷.

عمومی و خصوصی، نام مبارکش را به بدی یاد می نمود. منتصر عباسی، فرزند جوان متوکل و ولی عهد کشور، از رفتار زشت پدرش نسبت به علی علیه السلام سخت ناراضی بود. روزی متوکل، طبق معمول، در مجلس خود با حضور جمعی از رجال کشور، نام علی علیه السلام را به زشتی یاد کرد و به صراحت جسارت نمود. منتصر که در مجلس حاضر بود، مانند همیشه از گفتار پدر ناراحت شد و رنگش تغییر کرد. این بار متوکل ساکت نماند و در حضور مردم، فرزندش را توبیخ و تحقیر کرد و به وی دشنام داد. برای منتصر که دارای مقام ولایت عهدی بود، دشنام پدرش غیر قابل تحمل بود. منتصر، از توهین متوکل سخت به هیجان آمد و آتش نفرت و کینه در ضمیرش شعله ور شد. تصمیم گرفت عمل پدر را تلافی کند و انتقام بگیرد. در همان لحظه، کشتن پدر از خاطرش گذشت. از این رو، در اولین فرصت با چند نفر از غلامان مخصوص متوکل، نقشه قتل پدر را طرح کرد و مجریان نقشه را با وعده مال و مقام آماده نمود. شبی متوکل در قصر اختصاصی خود با ندیمان می گساری می کرد. نزدیک نیمه شب، بغای صغیر که رئیس تشریفات کاخ خلافت بود، به تالار وارد شد و اعلام کرد وقت استراحت خلیفه است، ندیمان مرخص اند. همه از قصر خارج شدند و تنها فتح بن خاقان که مقام رفیعی نزد متوکل داشت، در حضور خلیفه ماند. در این موقع، غلامان قوی که برای قتل متوکل تعیین شده بودند، از مخفی گاه ها بیرون آمدند. فتح بن خاقان که از مشاهده این وضع به وحشت افتاده بود، فریاد کشید: مگر می خواهید خلیفه را بکشید؟ او برای محافظت از متوکل، خود را بر روی وی افکند؛ ولی غلامان مهلت ندادند و با ضربات پی در پی، متوکل و فتح بن خاقان را کشتند و در همان نیمه شب، به قصر مخصوص منتصر رفتند.<sup>۱</sup>

## ۹. رعایت عدالت

واکنش‌های متفاوت در برابر رفتارهای یکسان فرزندان، موجب کاهش علاقه به پدر و مادر و یا ایجاد کینه به خواهر یا برادری است که بیش از دیگری مورد توجه قرار گرفته است. والدین باید بکوشند، با فرزندان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علتی، یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند؛ زیرا فرزندان به این مسأله حساس‌اند و تحمل آن برای‌شان دشوار است. در برخی خانواده‌ها، والدین میان دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند. بدیهی است که این‌گونه برخوردها، از نظر تربیتی آثار ویرانگری دارد و باید از آن‌ها پرهیز کرد.<sup>۱</sup> اهل بیت علیهم‌السلام ضمن رعایت این امر نسبت به فرزندان خود، به دیگران سفارش می‌نمایند که بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید؛ چنان‌که دوست دارید میان شما در نیکی و لطف، به عدالت و مساوات رفتار کنند.<sup>۲</sup>

## ۱۰. نظارت

تربیت فرزندان، مانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد. باید به موقع، به نهال آب داد و شاخ و برگ زایدش را زد تا به درختی پرثمر تبدیل شود.<sup>۳</sup> در همین راستا، اهل بیت علیهم‌السلام بر رفتار و گفتار فرزندان خود نظارت می‌کردند. این امر، در عرصه‌های متعدد صورت می‌گرفت؛ مثلاً ائمه علیهم‌السلام بر نوع پوشش و انتخاب دوست فرزندان خود نظارت می‌کردند. سلمه می‌گوید: «نزد امام باقر علیه‌السلام بودم که امام صادق علیه‌السلام وارد شد. امام خطاب به او فرمود: فرزندم، آیا لباست را مرتب نمی‌کنی؟ امام صادق علیه‌السلام بیرون رفت و ما گمان کردیم لباسش کثیف است.

۱. ر.ک: یوسفیان، نعمت‌الله، تربیت دینی فرزندان، زمزم هدایت، پنجم، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۹۲: «إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ.»

۳. حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام در تربیت فرزند، پیشین، ص ۱۲۳.



سپس بازگشت. به امام عرض کردم: فدایت شوم، چه اشکالی داشت؟ فرمود: لباسش بلند بود...<sup>۱</sup> «هم‌چنین اهل بیت علیهم السلام مراقب بودند که دوستان فرزندان‌شان چه کسانی هستند و فرزندان‌شان با چه کسانی رفت‌وآمد دارند. امام صادق علیه السلام به یکی از فرزندان‌ش فرمود: «فرزندم هرگاه می‌خواهی دیگران را زیارت کنی، خوبان را زیارت کن و بدان را زیارت نکن؛ زیرا بدان، مانند صخره‌ای که آب از آن نمی‌جوشد و درختی که برگ سبز ندارد و زمینی که در آن نمی‌روید، هستند.»<sup>۲</sup>

متأسفانه، امروزه برخی پدر و مادرها به بهانه این‌که فرزندان‌شان بزرگ شده‌اند، مراقب آنان نیستند. اینان پدر و مادری هستند تا وقتی فرزندان‌شان مرتکب جرمی نگردیده و روانه زندان نشده است، نمی‌دانند او کجا است و چه کار می‌کند! این در حالی است که امروزه فرزندان ما، بیشتر از هر زمانی نیاز به مراقبت دارند؛ زیرا زمینه ناهنجاری‌ها افزایش یافته و تهاجم فرهنگی، جوانان ما را تهدید می‌نماید. یکی از راه‌های مبارزه با این امر، نظارت بر رفتار فرزندان است. شاید به دلیل اهمیت توجه به اصل نظارت باشد که معصومان علیهم السلام سفارش نموده‌اند مراقب رفتار و گفتار فرزندان خویش باشید؛ زیرا دشمنان و جریان‌های انحرافی، عقاید آنان را نشانه گرفته‌اند. امام صادق علیه السلام در باره گروه‌های انحرافی عصر خود می‌فرماید: «پیش از این‌که مرجئه بر شما پیشی گیرد و جوانان شما را منحرف سازد، آن‌ها را با احادیث ما آشنا کنید.»<sup>۳</sup>

چنان‌چه زمینه تربیت و نظارت بر فرزندان فراهم گردد، آنان زودتر خوبی‌ها را

---

۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۵۴. ظاهراً آن زمان، پوشیدن لباس بلند، پسندیده نبوده است.

۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳۴.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۴۷: «بَادِرُوا أَحَدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجئةُ.»

می پذیرند. امام صادق علیه السلام به مؤمن طاق، یکی از دوستان نزدیکش، فرمود: «به سراغ جوان‌ها برو؛ که جوان‌ها در کار خیر، پیش‌گام‌اند.»<sup>۱</sup>

### ۱۱. موعظه

«موعظه، عملی است که در انسان حالت بازدارندگی از بدی‌ها و گرایش به خوبی را ایجاد می‌کند و سختی را از دل انسان می‌شوید و آدمی را آماده اتصاف به کمالات الهی می‌کند.»<sup>۲</sup> موعظه، اصل مهمی است که قرآن و رهبران الهی مردم و خانواده‌ها را بدان فراخوانده‌اند. در قرآن کریم از زبان لقمان حکیم می‌خوانیم: «إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش، در حالی که وی او را اندرز می‌داد، گفت: ای پسر من! به خدا شرک می‌اور که به راستی شرک، ستمی بزرگ است.» هم‌چنین لقمان فرزندش را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌نماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»<sup>۴</sup> ای پسر من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار...»

اهل بیت علیهم السلام نیز فرزندان خویش را موعظه می‌کردند؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام امام حسن علیه السلام را به خدا و معادباوری، تقواگرایی و موعظه‌پذیری سفارش کرد و فرمود: «إِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنَيٍّ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ أَحْيَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظِ...» پسر من! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی. چه

۱. همان، ج ۸، ص ۹۳: «عَلَيْكَ بِالأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.»

۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹۴.

۳. لقمان، آیه ۱۳.

۴. لقمان، آیه ۱۷.

وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خدا است، اگر سررشته آن را در دست گیری؟  
دلت را با اندرز نیکو زنده کن.»<sup>۱</sup>

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: «خدمت امام رسیدم. فرزندش امام کاظم علیه السلام حاضر بود. امام وصیت کرد و فرمود: فرزندم! به وصیت و گفته من عمل کن؛ زیرا اگر چنین کردی، زندگی سعادت‌مند و مرگ پسندیده‌ای خواهی داشت؛ هر کس به آنچه خداوند روزی او کرده، راضی باشد، بی‌نیاز است و هر کس به آنچه در دست دیگران است، چشم بدوزد، فقیر خواهد شد.»<sup>۲</sup>

---

۱. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، پیشین، ص ۳۷۱.

۲. محدث اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، تبریز: بنی‌هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۵۷.